

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Scientific

علمی

بازتاب توسط: لاله - هوادار سازمان انقلابی افغانستان

۰۴ سپتمبر ۲۰۱۱

تیوری شناخت

تیوری شناخت، تیوری فلسفی است که در باره منشأ و محتوای شناخت و نیز روند تکامل آن گفت و گو می کند. برای شناخت دو تیوری وجود دارد که کاملاً در مقابل و در مخالفت با هم قرار دارند: تیوری ماتریالیستی شناخت و تیوری ایده آلیستی شناخت.

بنیاد اساسی تیوری ایده آلیستی شناخت نفی واقعیت عینی جهان مادی و نفی این اصل است که شناخت همان بازتاب جهان عینی در مغز انسان است. ایده آلیسم عینی تصور می کند که انسان فقط قادر است حواس خود را بشناسد و حواس، یگانه موضوع واقعی شناخت هستند. برای ایده آلیسم عینی ایده ها و مفاهیم تنها موجودات واقعی هستند که مستقل از مغز انسان هستی دارند و عامل نخستین اند، در حالی که شناخت نه بازتاب جهان عینی، بلکه خود شناسی ایده ها است.

بنیاد اساسی تیوری ماتریالیستی شناخت تصدیق اینست که جهان مادی واقعیت عینی دارد. از نظر این تیوری، جهان مادی یا واقعیت عینی مستقل از اندیشه انسانی است، جهان و قوانین آن قابل شناخته شدن هستند؛ ایده ها و شناخت انسان بازتاب جهان مادی است. تیوری ماتریالیستی – دیالکتیکی شناخت همان تیوری "بازتاب" است، لنین تصریح کرده است که حرکت از ایده ها و حواس به سمت اشیاء همان شیوه تیوری ایده آلیستی شناخت است، ولی حرکت از اشیاء به سوی ایده ها تیوری ماتریالیستی شناخت را تشکیل می دهد. این همان تضاد اساسی میان دو تیوری متضاد شناخت است.

ماتریالیسم ماقبل مارکسیسم شناخت را خارج از خصلت اجتماعی انسان و خارج از تکامل تاریخی وی در نظر می گرفت. بنابراین قادر نبود نه وابستگی شناخت را به پراتیک اجتماعی و نه مقام اساسی و نقش تعیین کننده پراتیک را در روند شناخت و نه جوهر دیالکتیکی این روند شناخت را درک کرده و بشناسد.

اما فلسفه مارکسیستی برای نخستین بار مسأله پراتیک را در تیوری شناخت وارد نمود و بر پایه پراتیک، دیالکتیک را در تیوری شناخت به کار بست و بدین ترتیب، تیوری ماتریالیستی – دیالکتیکی شناخت را عرضه نمود. این تیوری رابطه وابستگی شناخت به پراتیک را نشان می دهد و اعلام می دارد که پراتیک اجتماعی بشریت (یعنی

مبارزه تولیدی، مبارزه طبقاتی و آزمون های علمی) تنها منشأ شناخت انسان و مبارزه تولیدی بنیادی ترین پراتیک و منشأ پایه ئی تکامل شناخت انسان را تشکیل می دهد. در جامعه طبقاتی، مبارزه طبقاتی به همه اشکال خویش تاثیر ژرفی بر شناخت انسان بر جا می نهد. نظرگاه پراتیک نظرگاه اولیه و بنیادی تیوری ماتریالیستی – دیالکتیکی شناخت است. از نظر تیوری ماتریالیستی – دیالکتیکی شناخت، روند شناخت انسان روند یک حرکت متضاد، بغرنج و پیچیده و روند تکامل را از نا شناخته به شناخته، از جزئی به کلی، از درجات و مراحل نازل به درجات و مراحل عالی است.

شناخت حسی و شناخت تعقلی دو مرحله از روند تکامل شناخت را تشکیل می دهند. شناخت تعقلی به شناخت حسی وابسته است و شناخت حسی باید تا سطح شناخت تعقلی ارتقاء یابد. شناخت تعقلی آنگاه مجدداً به سمت پراتیک باز می گردد و یک روند شناخت، آزمایش، محک زنی و تکامل شناخت حاصل شده آغاز می گردد.

تکامل فعال شناخت حسی به شناخت تعقلی و رهبری و هدایت پراتیک انقلابی به وسیله این شناخت تعقلی دو جهش فعال در روند شناخت را تشکیل می دهند و جهش دوم یعنی خروج شناخت تعقلی از حد شناخت صرف و تبدیل آن به چراغ راهنمای پراتیک انقلابی جهش مهم تر را تشکیل می دهد.

حرکتی که به یک شناخت صحیح منجر می شود یک باره انجام نمی گیرد و اغلب برای تحقق آن تکرار چندین باره و مکرر گذار از پراتیک به شناخت و سپس از شناخت به پراتیک لازم است. مائوتسه دون می گوید:

"به وسیله پراتیک حقیقت را کشف کردن و باز در پراتیک حقیقت را اثبات کردن و تکامل دادن؛ فعالانه از شناخت حسی به شناخت تعقلی رسیدن و سپس از شناخت تعقلی به هدایت فعال پراتیک انقلابی برای تغییر جهان ذهنی و عینی روی آوردن؛ پراتیک، شناخت، باز پراتیک و باز شناخت – این شکل در گردش ماریچی بی پایانی تکرار می شود و هر بار محتوای ماریچ های پراتیک و شناخت به سطح بالاتری ارتقاء می یابد. اینست تمام تیوری شناخت ماتریالیسم دیالکتیک، اینست تیوری ماتریالیستی – دیالکتیکی وحدت دانستن و عمل کردن."¹

"یک شناخت صحیح اغلب با طی کردن یک پروسه تکرار مکرر حرکت از ماده به شعور و سپس از شعور به ماده، یعنی حرکت از پراتیک به شناخت و سپس از شناخت به پراتیک می تواند به دست آید. اینست تیوری شناخت مارکسیستی، اینست تیوری شناخت ماتریالیسم دیالکتیکی."²

بر گرفته از کتاب مبانی و مفاهیم مارکسیسم

¹ - مائوتسه دون: "در باره پراتیک"

² - مائوتسه دون: "اندیشه های صحیح انسان از کجا سرچشمه می گیرد؟"